

انحراف مسیر

خلاصه شماره پیش

فرماندار بصره در محل ماموریتش در يك مهمانی اشرافی شرکت کرده بود امام ضمن نامه مفصلی او را توبیخ و یادآور می‌شود، که شایسته نیست رجال حکومت تنها بعنوان «زمامداری مسلمان‌ها» دلخوش باشند و در گرفتاریها و شدائد روزگار شريك غم مردم نباشند. اینک آیا راستی در حکومت تقوی خوردن غذاهاى لذیذ و پوشیدن لباسهای زیبا ممنوع است؟ فرمانداران و عمال دولت حکمی استثنائی دارند؟ اگر نه آست و نه این چرا امام، شخصا بنان جو و لباس کهنه قناعت میورزید و چرا فرماندارش را برفتن چنین مهمانی توبیخ میفرمود؟!....

در شماره گذشته دانستیم که استفاده از لذایذ در حکومت تقوی ممنوع نیست، چه مانعی دارد کسی تقوی داشته باشد و معذالك زندگانی مرفهی داشته باشد و از لذایذ حیات بهره کافی ببرد. ممکن است کسانی از مطالعه سطحی متن نامه امام تصور کنند که زمامداران و عمال حکومت حکمی استثنائی دارند باین معنی که: گر چه استفاده از لذایذ برای عامه مردم مانعی ندارد ولی رجال حکومت و زمامداران بخاطر وظیفه خطیری که بعهده دارند نباید از بیت‌المال مسلمانها بیش از حد ضرورت استفاده کنند در اینصورت باید گفت: اگر روزی حکومت دینی روی کار آمد و بنا شد بگفته های امام رفتار کنند در آنوقت وزراء، مدیرکلها، امرای ارتش، افسران ارشد، قضاة، و خلاصه کارمندان دولت را می‌بایست از میان مردمی وارسته و بی‌علاقه بدنیا انتخاب کرد که بتوانند بحداقل زندگی بسازند، و پیداست که همیشه نمی‌توان چنین مردمی را پیدا کرد که این پستیهای حساس را با اینمقدار از معیشت و زندگی بپذیرند و با کمال امانت و درستی انجام وظیفه کنند، بنابراین یا باید کارها را بدرویش مسلمان بی‌تجربه بسپریم و یا بگفته های امام (ع) رفتار نکنیم، و در پاسخ این پندار باید بگوئیم نه تنها بعقیده امام فرمانداران و عمال حکومت حکمی استثنائی ندارند، بلکه طبق فرمان امام، بایستی مال بحد کافی در اختیار رجال حکومت و اعضاء وابسته قرار گیرد تا آنها بتوانند زندگانی خود را از ممر حلال با وجهی شایسته اداره کنند و ناچار از

خیانت نکردند (۱) چیزی که امام از آن متنفر است، حیف و میل بیت‌المال درحال محرومیت عامه است، امام می‌خواهد عموم طبقات زندگی مرفه داشته باشند، همه خوب زندگی کنند و اگر بعللی مردم گرفتار تنگی معیشت شدند زمامداران و طبقات مرفه از تجمل خود بکاهند، و بدیگران کمک کنند و درسختیها همانند دیگران زندگی کنند تا بمصداق «البلیه اذا عمت طابت» زندگانی پرتجمل عده‌ای همچون خار در چشم محرومان نخلد، و جنگ و ستیز طبقاتی پدید نیاید.

برای اینکه شرایط استثنائی زمان امام واقف شویم بهتر است اوراق تاریخ را بطور عقب‌گرد ورق بزنیم و ریشه‌های انحراف را در حکومت‌های پیشین جستجو نماییم. امام در چه شرایطی زمامدار شد؟

خلافت از مسیر اصلی خارج شده بود، حکومت‌ها روح قانون را درک نمی‌کردند، در زمان خلافت عمر، حکومت اسلامی جنبه عربی پیدا کرده بود، خلیفه دوم ایرانیان را بمدینه راه نمیداد (۲) عرب را بر دیگران برتری میداد (۳). در زمان خلافت عثمان حکومت در بست در اختیار قوم و خویشان خلیفه قرار گرفت، بیت‌المال در دست همانها بود، پولها بود که صرف می‌شد بذل و بخششها بود که می‌کردند!! عده‌ای از صحابه! پولها جمع کردند، کاخها ساختند، خانه‌ها خریدند، املاک و مستغلات تهیه نمودند،

زیربن‌عوام کاخی عالی در بصره بنا کردند که مسعودی مورخ معروف می‌نویسد تا امروز که سال ۳۳۲ هجری است در بصره باقی است و منزلگاه تجار و ثروتمندان است و خانه‌هایی نیز در مصر و کوفه و اسکندریه بنا کرد که باز مسعودی می‌نویسد آنخانه‌ها نیز در زمان ما معروف می‌باشند. علاوه بر این او پس از خود پنجاه هزار دینار

۱- درباره حقوق کارمندان دولت در فرمان بمالك اشتر می‌فرماید: پول و مواد غذایی باندازه کافی در اختیارشان قرار بده تا بتوانند حال خویش را اصلاح نموده از اموال دولتی نیز بی‌نیاز باشند و در صورت مخالفت امر یا خیانت در اموال حجت بر آنها تمام باشد (ص ۱۰۶ ج ۳ نهج البلاغه محمد عبده) و درباره حقوق قضاة مخصوصا سفارش نموده می‌فرماید: بقدری نسبت بحقوق آنها دست و دل باز باش که کاملاً بی‌نیاز بوده و محتاج دیگران نباشند (ص ۱۰۵ ج ۳ نهج البلاغه) و درباره حقوق سربازان می‌فرماید بهترین سرلشکران و امرای ارتش تو کسانی هستند که با سربازان بمواسات رفتار کنند و حقوق ایشان را تمام و کمال بپردازند بنحویکه برای معاش خودشان و عائله‌شان کافی باشد تا تمام توجهشان در امر سربازی معطوف بوده، غمه مخارج عائله را نداشته باشند (ص ۱۰۲ ج ۳ نهج البلاغه محمد عبده).

۲- مروج الذهب ج ۲ ص ۳۲۰

۳- تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان ج ۴ ص ۳۵

پول نقد و هزار اسب و هزار بنده و کنیز باقی گذارد (۱) .

طلحه بن عبدالله کاخی بس عالی ساخت که مسعودی مینویسد: امروز از کاخهای معروف کوفه است ، او روزی هزار دینار عایدی مستغلات عراقش بود ، در جاهای دیگر نیز مستغلاتی با درآمدی بیش از این داشت ، کاخی نیز در مدینه بنا کرده بود (۲) .

عبدالرحمن بن عوف کاخی رفیع بنا کرد که در اصطبل آن یکصد اسب بسته بود و همو هزار شتر و ده هزار گوسفند داشت و وقتی از دنیا رفت ، هشت یك دارائیش را بین چهار همسرش تقسیم کردند بهر زنی هشتاد و چهار هزار دینار سهم رسید (۶) زید بن ثابت صحابی معروف روزی که مرد بقدری شمشهای طلا و نقره داشت که با تبرمی شکستند و بین وراثت تقسیم می کردند ، تازه بقیه اموال او نیز صد هزار دینار ارزش داشت (۳) .

اموال شخص خلیفه سوم نیز موقعی که بقتل رسید یکصد و پنجاه هزار دینار ، و یکمیلیون درهم پول نقد بود و قیمت مستغلات او نیز بالغ بر صد هزار دینار می شد و جزاین اسبها و شتران فراوانی داشت (۴)

این بود وضع ثروت اندوزی در میان عده ای از بزرگان صحابه که بقول اهل تسنن جزء بهشتیها هستند (۵) حالا اگر بهشتیها در مدت کوتاهی این مقدار پول جمع کرده باشند وای بحال جهنمیها .
فرمانداران در حکومت بیش از امام چه کسانی بودند ؟

گفتیم حکومت در دست بنی امیه بود ، کسی بفرمانداری میرسید که با خلیفه قوم و خویشی داشته باشد اگر چه فساد اخلاق و عقیده نیز معروف باشد اینک بعضی از فرمانداران او :

۱- ولید بن عقبه بن ابی معیط برادر مادری عثمان فرماندار کوفه ، او کسی است که قرآن ویرا فاسق خوانده (۶) و پیامبر (ص) خبر داده است که او اهل جهنم است (۷) و در زمان حکومتش مست بمسجد رفته و نماز صبح را چهار رکعت خوانده است (۸) و در پاسخ بعضی از دوستانش که با او گفته بودند چطور شد که تو فرماندار شدی ؟

۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ - مروج الذهب از ص ۳۳۲ تا ص ۳۳۵ .
۶- سنیها معتقدند که پیامبر بعدهای وعده بهشت داد که زبیر و طلحه جزء

آنانند .

۷- ان جائکم فاسق بیاء فتبینوا (سوره حجرات آیه ۶) مراد از فاسق در این آیه بعقیده همه مفسران ولید است (طبقات ابن سعد) .

۸- مروج الذهب ج ۲ ص ۳۳۴ .
۱ و ۲ طبقات ابن سعد ج ۴ ص ۱۵۵۴ و مروج الذهب ج ۲ ص ۳۳۴ .

گفته بود ناراحت نباش! فرمانداری است، بعضی غذای صبحگاهشان قرار دادند و بعضی خوراک شامگاه! یعنی باید خورد و چایید، اندکی زودتر یا کمی دیرتر (۱)

۲- عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان استاندار مصر

او قبل از فتح مکه اسلام آورده و بمدینه مهاجرت کرده سپس از اسلام برگشته و مرند شده و بمکه مراجعت نموده و با مشرکین همدست گردیده (۲) در موقع فتح مکه پیامبر ص فرموده خون او هدر است اگر چه، به پرده کعبه آویخته باشد (۳) عثمان مدتها او را مخفی کرده است تا از مرگ رسته و باز اسلام آورده با این سوابق نیکو ادرسال ۲۵ هجری باستانداری مصر از طرف عثمان منصوب گردیده.

۳- معاویه بن ابی سفیان استاندار شامات،

معروفیت اخلاقی و حسن سلوک او!! احتیاجی بمعرفی ندارد.
سخن کوتاه! در معرفی عمال حکومت در زمان عثمان همین اندازه بس که او وقتی بخلافت رسید عده‌ای از بزرگان بنی امیه در خانه او جمع شدند، انجمنی بود آراسته و از اینکه دست خاندان پیامبر و بنی هاشم از خلافت بالمهره کوتاه شده بود شادان و با نشاط، ابوسفیان پدر معاویه که در آن زمان نایبنا شده بود بوجد آمده گفت آیا غیر بنی امیه کسی در این خانه هست؟ گفتند: نه! گفت بنی امیه اینک که خلافت به شمارسیده همانند توپی دست بدست بدهید، سالیان درازی بود که آرزوی حکومت می کردیم مبادا از دست بداده بلکه حکومت را بوراثت بفرزندان واگذارید!

عثمان گفت ساکت شو! او بعد این سخن بخارج درز کرد و عده‌ای از صحابه بزرگوار پیامبر (ص) همچون عمار یاسر و ابوذر غفاری و مقداد سخنرانیها کردند و علیه حکومت شعارها دادند که منجر بضر و شتم و تبعید آنها گردید (۴) بالاخره نیز این انحرافات سروصدهائی بوجود آورد، مردم جنبش کردند، جمع کثیری از کوفه و بصره و مصر بمدینه آمدند سخنرانیها کردند، بخصوص مردم مصر که از فرماندارشان سخت ناراضی بودند شکایتها کردند، امام علی وساطت کرد عثمان متعهد شد که فرماندار را عزل کند، نامه‌ای مبنی بر عزل او نوشت و بدست شاکیان داد آنها بمصر برگشتند، در بین راه شتر سواری را دیدند که با عجله از سمت مدینه می‌آید و صورت خود را پیچیده است بطوریکه شناخته نمی‌شود و سعی دارد از بیراهه برود، مردم مصر بغلام ظنین شده و پس از تفحص فهمیدند او «ورش» غلام عثمان است پس از بازجویی بدنی از او نامه‌ای رایافتند که بعبدالله ابن ابی سرح فرماندار مصر نوشته شده بود، در این نامه که با مهر خلیفه پایان یافته بود دستور داده شده بود وقتی شاکیان

۱ و ۲ و ۳ طبقات ابن سعد ج ۳ ص ۹۱۸

۴ - مروج الذهب ج ۲ ص ۴ - ۳۴۲

از مدینه بمصر رسیدند آنها را بازداشت کن ، فلانی را گردن بزن ، دست فلان را از بدن قطع کن ، وووو... شاکیان نامه را گرفته بمدینه بازگشتند مدینه سخت طوفانی شده بود ، امواج خشم و نفرت انقلاب کنندگان در ودیوار را میلرزاند ، خانه خلیفه محاصره شد ، مردم می گفتند اگر عثمان شخصا در نوشتن نامه دخالت نداشته است و بگمان او مروان نامه را از قول خلیفه جعل کرده است او را تحویل ما بدهد تا بکیفر برسانیم ، عثمان مروان را در خانه خویش پناه داده بود ، امام علی (ع) هرچه کوشید و عثمان رانصیحت کرد سودی نبخشید ، بیش از یکماه و نیم خانه عثمان در محاصره بود .

در روزهای آخر شدت خشم مردم بنحوی بود که نصایح امام ، نیز در آنها سودی نداشت ، امام با اینکه فرزندانش امام حسن و امام حسین را فرستاد که بنحوی از قتل خلیفه جلوگیری کنند ، معذالك هجوم جمعیت و خشم عمومی کار خود را کرد خلیفه در اواخر ماه ذی حجه سال ۳۵ هجری کشته شد. (۱)

چگونه امام روی کار آمد

پس از قتل عثمان ، انبوه جمعیت برای بیعت درخانه امام هجوم آوردند ، امام در این باره میفرماید بقدری فشار جمعیت زیاد بود که نزدیک بود فرزندانم حسن و حسین زیردست و پاله شوند (۲) ، امام میدید زمامداری پس از اینهمه انحراف کاری است بس مشکل و توانفرساز این جهت از قبول مسئولیت سخت ابا داشت ، ولی بطوریکه در خطبه ششقیه بیان میفرماید ، نمی توانست دسترد بسینه مردم بگذارد ، بخصوص که خداوند از دانشمندان پیمان گرفته است که در برابر تعدی و تجاوز ستمگران و پامال شدن حقوق ستمدیدگان ساکت نشینند ناچار قبول مسئولیت فرمود و خلافت را پذیرفت در حالیکه تصمیم گرفته بود با کلیه انحرافات مبارزه کند، و طبقات متجاوز را سرچایشان بنشانند ، لذا در نخستین سخنرانی که در آغاز زمامداری خویش ایراد کرد چنین فرمود:

نخستین خطبه امام (ع) رادر اولین روز زمامداری در شماره آینده مطالعه فرمائید

۱ - ترجمه و تلخیص از مروج الذهب ج ۲ ص ۵ - ۳۴۳

۲ - نهج البلاغه خطبه ششقیه ص ۳۱ ج ۱ شرح محمد عبده

خواب مصنوعی

کارشناسان موسسه «رابرت بوس الکترونیک در برلن غربی دستگاه برقی جدیدی برای ایجاد خواب مصنوعی ساخته اند . این دستگاه تاکنون بیش از سه هزار بار مورد آزمایش قرار گرفته و نتیجه کاملاً مثبت داده است . برق دستگاه بوسیله یک باطری ۱۵ ولتی تامین میشود و فرکانس آن بمیل بیمار از ۱۲ تا ۲۰۰ سیکل در ثانیه تغییر میکند و هیچ صدمه ای به مغز وارد نمی آورد .